

روایات امام صادق (ع) در تفسیر المحرر الوجیز

اعظم نوری*

چکیده

بسیاری از مفسران اهل سنت، در تفاسیر خود از روایات تفسیری اهل بیت (ع) به ویژه امام صادق (ع) بهره برده اند. تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز یکی از تفاسیری است که از روایات تفسیری امام صادق (ع) به کرات استفاده نموده است. بررسی و تبیین این روایات بیانگر جایگاه علمی و معنوی امامان شیعه در نظر اندیشمندان اهل سنت و موجب شناخت هرچه بیشتر علم امام و گامی در جهت تقریب مذاهب و اثبات حقانیت اهل بیت (ع) به شمار می رود. این نوشتار تلاشی است تا کلمات منسوب به امام صادق (ع) در تفسیر المحرر الوجیز که یکی از مهمترین تفاسیر اهل سنت در قرن ششم هجری است، مورد بررسی قرار گیرد. لذا بعد از شناخت اجمالی این تفسیر و روش نویسندگان آن، روایات مورد استفاده از امام صادق (ع) در آن، تک تک مورد بررسی قرار گرفته و با ملاحظه روایات مذکور در منابع حدیثی و تفسیری شیعه و سنی به نقد آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: روایات تفسیری، امام صادق (ع)، ابن عطیه، تفسیر المحرر الوجیز.

علاوه بر شیعیان، بسیاری از بزرگان اهل سنت، به ویژه امامان چهارگانه، به طور مستقیم یا غیر مستقیم از روایات و معارف قرآنی مطرح شده در کلام امام صادق (ع) بهره برده‌اند. به تبع آنها جمع کثیری از مفسران اهل سنت نیز در کتاب‌های تفسیری خود از احادیث تفسیری امام (ع) یاد کرده، گاهی نیز سخنان امام (ع) را بر دیگر اقوال مطرح در مورد آیات قرآن ترجیح داده‌اند، بنابراین تأثیر کلام حضرت (ع) در این تفاسیر قابل انکار نیست. به همین منظور پرداختن به روایات تفسیری امام صادق (ع) در کتب تفسیری اهل سنت، در جهت شناخت هر چه بیشتر امام (ع) و آشکار نمودن جنبه‌های وحیانی و علمی کلام ایشان که علاوه بر شیعه، اهل سنت نیز بدان اذعان دارند ضروری به نظر می‌رسد.

این عطیه اندلسی از مفسرانی است که در تفسیر خود به نام «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز» از روایات تفسیری امام صادق (ع) بسیار بهره گرفته است. با توجه به این که روش اصلی وی در تفسیر قرآن کریم روش روایی است^۱، بررسی روایات تفسیری امام صادق (ع) در این کتاب اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

معرفی کتاب «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز»

تفسیر «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز» نوشته عبدالحق بن غالب بن عطیه اندلسی یکی از مهمترین تفاسیر اهل سنت است که در قرن ششم هجری قمری به نگارش درآمده است. این تفسیر بر تفاسیر بعد از خود تأثیری آشکار داشته و جزء منابع اساسی تفاسیری چون «البحر المحيط» أبوحیان و «الجامع لأحكام القرآن» قرطبی به شمار می‌رود. این تفسیر در زمانی نوشته شده که دولت مرابطین در اندلس به حکومت رسیده و در جنگ‌های مداوم با دیگر دولت‌ها بودند. این عطیه به عنوان سرباز در این جنگ‌ها حضور داشت، به همین مناسبت در تفسیر «المحرر الوجیز» دیده می‌شود که به آیات جهاد با تأکید بیشتری پرداخته شده و اشعار حماسی عربی در این تفسیر فراوان به کار رفته است. حتی وی اجازه‌نامه‌هایش را از اساتید در نبردها و گذر از شهرهای مختلف به دست آورده است.^۲

این خلدون شیوه این تفسیر را ستوده است و در مقدمه خود مینویسد: بسیاری دست

به نوشتن تفسیر نقلی زده‌اند و آثار وارده از صحابه و تابعین را گرد آوردند تا به طبری و واقدی و ثعلبی و مانند اینها منتهی گردید، از این رو این تفاسیر، از گفته‌های یهودیان مسلمان شده جز در موارد احکام، سالم نمانده و مفسران در این باره تساهل ورزیدند و کتاب‌های خود را از این منقولات بی‌اساس پر کردند.

تا آن‌گاه که دوران تحقیق و بررسی فرا رسید و أبو محمد عطیه به تلخیص و تهذیب منقولات تفسیری همت گماشت و آنچه را قرین صحت بود برگزید و در اندلس کتابی آراسته و پیراسته برای مردم مغرب زمین به رشته تحریر درآورد. پس از او قرطبی نیز همان راه را پیمود و تفسیر خود را بر همان اساس تدوین کرد و در شرق بلاد اسلامی شهرت و رواج یافت. ۳

در مورد روش کلی ابن عطیه در تفسیر المحرر الوجیز می‌توان گفت که وی در ابتدای هر سوره، اطلاعات کلی درباره آن سوره، شامل مکی یا مدنی بودن، فضیلت، تعداد آیات و القاب سوره بیان کرده و سپس، بعد از ذکر آیات مستقیماً وارد تفسیر می‌شود و ضمن آن به نقل اقوال مفسرین و نقد آنها، مباحث لغوی، نحوی، قرائت، بیان شواهد شعری و ادبی، نقل روایات و اسباب نزول می‌پردازد.

این تفسیر به گفته آیت الله معرفت مقدمه گران‌بهایی دارد که در آن، از شئون گوناگون قرآن بحث شده، این مقدمه، ده باب دارد که عبارتند از:

باب اول: در بیان فضل قرآن از زبان پیامبر (ص) و صحابه؛ باب دوم: در اهمیت تفسیر قرآن؛ باب سوم: درباره پیش گرفتن روش احتیاط در تفسیر و مراتب مفسران خجسته که سرآمد آنان علی‌امیر مؤمنان (ع) است؛ باب چهارم: در خصوص حدیث سبعة أحرف؛ باب پنجم: درباره جمع و تاریخچه قرآن؛ باب ششم: در خصوص الفاظ بیگانه در قرآن و سخن کوتاهی در بیان اعجاز قرآن؛ باب هفتم: در ایجاز و ایفاء قرآن؛ باب هشتم: درباره نام‌های قرآن و نام سوره‌ها و آیه‌های آن؛ باب نهم: در خصوص استعاذه؛ باب دهم: در تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» که آن را از سخن امام جعفر صادق (ع) و امام سجاد (ع) آغاز می‌کند و سپس به گفتار جابر بن عبدالله انصاری و دیگران می‌پردازد. او در این مقدمه، سخن خود را پس از تسمیه، با درود بر پیامبر (ص) و آل آغاز می‌کند؛ شیوه‌ای که اهل آن دیار بر آن بوده‌اند. ۴

أبو حیان اندلسی نیز در مقدمه تفسیر خود «البحر المحيط» در مقایسه میان تفسیر ابن عطیه و تفسیر زمخشری می گوید: کتاب ابن عطیه «المحرر الوجیز» در نقل، جامع تر و خالص تر و کتاب زمخشری برگزیده تر و عمیق تر است. ۵

روش ابن عطیه در استفاده از روایات تفسیری

همانطور که گذشت تفسیر ابن عطیه تفسیری روایی است و بر مبنای روایات و اقوال تفسیری بنا نهاده شده، اما وی صرفاً به نقل اخبار و روایات تفسیری پرداخته و گاهی در کنار ذکر این روایات، نقدها و نظرانی را نیز بیان می کند به همین جهت عباراتی مانند «هذا قول ضعيف»^۶ در تفسیر وی فراوان به چشم می خورد. نکته دیگر در تفسیر «المحرر الوجیز» آن است که نویسنده معمولاً منابع حدیثی خود را یاد نمی کند و بدون ذکر سند، تنها به ذکر نام راوی آخر بسنده می کند.

در روش تفسیری وی، روایات و اخبار وارده ذکر می شود، سپس وی نظر خود را به هنگام نقد روایات و یا پس از آن بیان می کند.

در مورد روایات تفسیری امام صادق (ع) که در این تفسیر به کار رفته می توان گفت، ابن عطیه معمولاً روایات مستند به امام (ع) را تنها نقل می کند، و در صدد رد آنها نیست. این امر نشانگر اعتماد وی به سخنان امام (ع) در مورد تفسیر قرآن است. ناگفته نماند که بیشتر روایات منقول از امام صادق (ع) در تفسیر «المحرر الوجیز»، در مورد قرائات است، البته روایاتی نیز در مورد فضیلت قرآن و تفسیر آیه و شناخت مفهوم آن وجود دارد که به تک تک آنها اشاره می شود. در کنار این بررسی برای شناخت بیشتر روایات تفسیری امام (ع) در «المحرر الوجیز» و سنجش اعتبار آنها، به بررسی این روایات در منابع شیعه و اهل سنت نیز پرداخته می شود.

بررسی و دسته بندی روایات امام صادق (ع) در «المحرر الوجیز»

الف: روایات تفسیری در مورد قرائت آیات: بیشتر روایات مورد استفاده از امام صادق (ع) در تفسیر «المحرر الوجیز» روایاتی است که در مورد قرائت قرآن کریم است. این موارد عبارتند از:

۱. در مورد آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (الفاتحة، ۱/۶)، ابن عطیه می نویسد: «قرأ جعفر

بن محمد الصادق (ع): «اهدنا صراط المستقيم» بالإضافة. ^۷ ابن عطيه به طور مستقيم اين قرائت «صراط، بدون ال و لام» را رد نمی کند، اما در ادامه خود از واژه «الصراط» استفاده می کند و معلوم می شود که قول منقول از امام (ع) را نپذیرفته است. اين روايت از امام صادق (ع) را مرحوم طبرسی در جوامع الجامع نیز ذکر کرده است. ^۸ اما در ساير تفاسير شيعی و سنی اين روايت ديده نمی شود.

۲. در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران: «... فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» در مورد لفظ «عزمت» نیز آمده است: قرأ... و جعفر بن محمد و عكرمة «عزمت» - بضم التاء سمى الله تعالى إرشاده و تسديده عزما منه... البته قرائت «عزمت» بر خلاف قرائت مشهور است، که «عزمت» را با فتحه و به شکل مخاطب خوانده اند. اما به نظر می رسد این عطیه با توضیحات و شاهد مثال هایی که از آیات دیگر می آورد این قرائت را از امام (ع) پذیرفته است. ^۹ این روایت در مورد قرائت «عزمت» در هیچ یک از تفاسیر شیعه و سنی مگر تفسیر سنی «البحر المحیط فی التفسیر» دیده نمی شود. ^{۱۰}

۳. ابن عطیه ذیل آیه ۸۹ سوره مائده «لَا يُوَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ و لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تَطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كَسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرَ رَقَبَةٍ...» نیز در مورد قرائت «أهليكم» روایتی را ذکر می کند که امام صادق (ع) آن را «اهاليكم» قرائت نموده است. ^{۱۱} این قرائت ذیل آیه در منابع شیعی تنها در مجمع البیان ذکر شده است. ^{۱۲} تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن المجید نیز آن را به نقل از مجمع البیان ذکر کرده است. ^{۱۳} پس به نظر می رسد این روایت صحیح نیست. این عطیه نیز این قرائت را بر خلاف قرائت مشهور دانسته است.

۴. در مورد قرائت آیه شریفه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ...» (الأنفال، ۱/۸)، روایتی از امام (ع) در «المحرر الوجيز» نقل شده مبنی بر این که امام (ع) «يسألونك الأنفال» قرائت نموده است. این عطیه تنها به نقل این قرائت از امام صادق (ع) بسنده کرده است. اما ذکر این روایت در بسیاری از منابع از جمله در مجمع البیان ^{۱۴}؛ التبيان في تفسير القرآن؛ ^{۱۵} جامع البیان ^{۱۶}؛ تفسير القرآن المجید ^{۱۷}؛ البحر المحیط ^{۱۸} بر اعتبار این روایت می افزاید به ویژه این که علامه طباطبائی در تفسیر «الميزان» به نقل از «جامع الجوامع» این قرائت را قرائت اهلبیت (ع) خوانده است. ^{۱۹}

۵. در قرائت «النسیء» در آیه ۳۷ سوره توبه «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحَلِّوْنَهُ عَامًا...» ابن عطیه بعد از آن که نظر ابن کثیر در این مورد را بیان می کند که ابن کثیر «النسیء» قرائت کرده است. از قول امام صادق (ع) قرائت «النسیء» را می پذیرد. ۲۰ این قرائت بر اساس قرائت مشهور است و در مصحف شریف نیز این گونه ذکر شده است.
۶. ذیل آیه ۵ سوره هود «أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ...» ابن عطیه قرائت «تثنونی صدورهم» را به نقل از امام صادق (ع) بیان می کند. البته با بررسی های موجود به نظر می رسد، در هیچ یک از تفاسیر موجود این قرائت به امام صادق (ع) استناد داده نشده، و تفاسیری که از این قرائت یاد کرده اند آن را منسوب به ابن عباس می دانند. ۲۱ با توجه به این مطلب می توان استناد این قرائت را به امام (ع) نادرست دانست، البته ابن عطیه نیز این قول را نقل کرده اما در پذیرش یا عدم پذیرش آن سخنی نگفته است.
۷. در مورد قرائت «خُلِّفُوا» در آیه ۱۱۸ سوره توبه «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلِّفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ...» ابن عطیه از امام صادق (ع) روایت کرده که قرائت آن «خالفوا» است. این روایت از امام صادق (ع) در مفاتیح الغیب ۲۲؛ الجامع لأحكام القرآن ۲۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن ۲۴ ذکر شده است. همچنین در تفسیر التبیان ۲۵ و مجمع البحرین ۲۶ این قرائت به اهل بیت (ع) نسبت داده شده است.
۸. ذیل آیه ۴۲ هود نیز در مورد قرائت «إِبْنَه» روایتی از امام صادق (ع) ذکر شده که در مقابل قرائت «ابناه» قرار گرفته و به نظر می رسد که مورد تأیید ابن عطیه قرار گرفته است. ۲۷ «و هی تجری بهم فی موج کالجبال و نادی نوح ابنه و...». این قرائت بر اساس قرائت مشهور است و در متن قرآن نیز «إِبْنَه» به کار رفته است.
۹. در مورد قرائت «یلعب» در آیه ۱۲ سوره یوسف «أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَع وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» ابن عطیه پس از آن که قرائت «نلعب» را از ابن کثیر نقل می کند قول امام (ع) مبنی بر قرائت کلمه به «یلعب» را می پذیرد. ۲۸
۱۰. ابن عطیه ذیل آیه ۴۹ سوره یوسف «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُعَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ» نیز می نویسد که امام (ع) «يعصرون» قرائت کرده است به ضم یاء و فتح صاد، به نظر می رسد ابن عطیه با ذکر عبارت: هذا مأخوذ من العصرة أو يوتون بعصرة، این قرائت را پذیرفته است ۲۹، البته این قرائت با ضبط کلمه در قرآن کریم مطابقت ندارد.

۱۱. ذیل آیه ۱۱ سوره رعد نیز آمده است: «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ...» که امام صادق (ع) «یحفظونه بأمر الله» قرائت نموده است. ۳۰ ابن عطیه در این جا نیز بنا بر روش و شیوه معمول خود اظهار نظری نکرده، و تنها به نقل قرائت از امام اکتفا نموده است.

۱۲. در آیه ۳۱ سوره رعد؛ «وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سِيرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قَطَعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلَّمَ بِهَ الْمُؤْمِنِي بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَلَمْ يَأْسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا...» در مورد لفظ «أَلَمْ يَأْسِ» ابن عطیه، قرائت «أَلَمْ يَتَبَيَّنْ» را از امام صادق (ع) نقل کرده است. اما چون خود ذیل آیه به تفسیر و تبیین «يَأْسِ» پرداخته، به نظر می رسد قول امام (ع) را نپذیرفته است.

۱۳. ذیل آیه ۲۶ سوره نحل «قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ» در مورد «بُنْيَانَهُمْ» از قول امام صادق (ع) نقل شده که امام آن را «بیتهم» قرائت کرده است. ۳۱ اما این قرائت در منابع تفسیری شیعه دیده نشد، پس قولی ضعیف به شمار می رود که قابل اعتنا نیست.

۱۴. ابن عطیه ذیل آیه ۲۷ حج «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» نیز در مورد «رِجَالًا» از امام صادق (ع) قرائت «رِجَالًا» به ضم راء و شد جیم را نقل می کند. ۳۲ این قرائت بر خلاف قرآن کریم است و با بررسی های انجام گرفته در دیگر تفاسیر شیعه و سنی این قرائت به نقل از امام (ع) دیده نشده است.

۱۵. ذیل آیه ۴۰ سوره حج «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ...» در مورد قرائت «صلوات» از امام صادق (ع) روایت شده که امام آن را به فتح صاد و سکون لام قرائت نموده است. ۳۳ ابن عطیه طبق معمول در این مورد هم سکوت کرده و نظری ارائه نداده است، اما در تفسیر جوامع الجامع نیز این قرائت از امام صادق (ع) نقل شده است. ۳۴

۱۶. ذیل آیه ۲۷ سوره لقمان «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» نیز در مورد قرائت «البحر يمدّه» از امام (ع) نقل کرده که امام «و البحر مداده» قرائت نموده است. ۳۵ در مجمع البیان نیز این قرائت از امام صادق (ع) نقل شده و ظاهرا طبرسی آن را پذیرفته است. ۳۶

۱۷. روایت دیگری از امام (ع) ذیل آیه ۳۸ سوره یس «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» در مورد قرائت «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» آمده که امام آن را «و الشمس تجری لامستقر لها» خوانده است. ۳۷ این قرائت به نقل از امام (ع) در مجمع البیان ۳۸ و نورالثقلین ۳۹ نیز نقل شده است.

۱۸. در مورد قرائت «أُوْزِيدُونَ» در آیه ۱۴۷ سوره صافات «وَأَرْسَلْنَا إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ» نیز روایتی ذکر شده که امام (ع) آن را «وُوزِيدُونَ» تلاوت کرده است. ۴۰ در مجمع البیان نیز این قرائت ذکر و مورد قبول قرار گرفته است. ۴۱ در تفسیر البرهان ۴۲ و تفسیر الصافی ۴۳ نیز این روایت به نقل از مجمع البیان ذکر شده است.

۱۹. در آیه ۹ سوره فتح «لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» نیز قرائت «و تعزروه» به نقل از امام (ع) به فتح تاء و سکون عین و کسر زاء قرائت شده است. ۴۴ البته این قرائت در منابع شیعی یافت نشد.

۲۰. در مورد قرائت واژه «طلح» در آیه ۲۹ سوره واقعه «وَطَلَحٍ مُّضُودٍ» از امام (ع) قرائت «طلع» روایت شده است. ۴۵ این قرائت در مجمع البیان ۴۶، بحار الانوار ۴۷ و تفسیر الصافی ۴۸ از امام صادق (ع) نقل شده است.

۲۱. در آیه اول سوره طلاق «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ...» به نقل از امام در قرائت «فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» آمده است: «فطلقوهن فی قبل عدتهن»، این قرائت از امام (ع) در مجمع البیان نیز نقل شده است. ۴۹

ب: روایات امام (ع) پیرامون تفسیر و تبیین آیات: با بررسی روایات امام صادق (ع) در المحرر الوجیز، روشن می شود که ابن عطیه بیشتر در مورد قرائت آیات و الفاظ قرآنی از امام (ع) نقل روایات نموده است و روایاتی که در صدد تبیین و روشن نمودن مفاهیم آیات قرآن است کمتر مورد توجه و استفاده ابن عطیه قرار گرفته است. بعد از ذکر روایات تفسیری امام (ع) در مورد تبیین آیات در تفسیر المحرر الوجیز، به نقد آنها و بررسی نوع نگاه ابن عطیه به شخصیت امام صادق (ع) با توجه به روایات نقل شده از حضرت خواهیم پرداخت.

۱. «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (الشعراء، ۸۰/۲۶)، ذیل آیه این روایت از امام صادق (ع) نقل شده است: «إذا مرضت بالذنوب شفانی بالتوبة»؛ در این روایت، امام (ع) بیماری را به

ارتکاب گناهان معنا می کند و شفا را نیز توبه می داند. این روایت در برخی منابع تفسیری اهل سنت مانند البحرالمحیط^{۵۰} و الجامع لأحكام القرآن^{۵۱} و روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم^{۵۲} و کشف الأسرار عدة الأبرار^{۵۳} و الکشف و البیان عن تفسیر القرآن^{۵۴} به نقل از امام صادق(ع) نقل شده است. در تفسیر بحرالمدید نیز این روایت ذکر شده اما نامی از امام صادق(ع) برده نشده است. ^{۵۵} اما با بررسی های انجام گرفته در منابع شیعی این روایت ذکر نشده است.

۲. در مورد تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ابن عطیه از امام صادق(ع) روایت می کند که حضرت فرموده است: «البسملة تیجان السور»^{۵۶} این روایت را قرطبی در الجامع لأحكام القرآن نیز ذکر کرده است^{۵۷}، اما این روایت در دیگر منابع شیعه و اهل سنت دیده نشد.

۳. ابن عطیه بعد از تفسیر سوره حمد در مورد لفظ «آمین» مباحثی را ذکر کرده، از جمله روایتی از امام صادق(ع) را بیان می کند؛ مبنی بر این که «آمین» از اسماء خداوند متعال است.^{۵۸} این روایت در منابع تفسیری شیعه مشاهده نشد، تنها تفسیر تستری آن را از مجاهد نقل می کند.^{۵۹} اما منابع روایی مانند بحار الأنوار^{۶۰} و معانی الاخبار^{۶۱} آن را از امام صادق(ع) نقل کرده اند. در منابع اهل سنت نیز این کثیر در تفسیر القرآن العظیم^{۶۲} و قرطبی در الجامع لأحكام القرآن^{۶۳} این روایت را از امام صادق(ع) نقل کرده اند و دیگر منابع اهل سنت از جمله أحكام القرآن ابن عربی^{۶۴} آن را به صورت قیل مطرح کرده اند.

۴. ابن عطیه ذیل آیه ۲۷۵ سوره بقره «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا...» نیز روایتی از امام صادق(ع) می نویسد: «حرم الله الربا ليتقارض الناس»^{۶۵}، این روایت در میان تفاسیر شیعه در فقه القرآن فی شرح آیات الأحكام^{۶۶}، ذکر شده است و در میان تفاسیر اهل سنت در البحر المحيط^{۶۷}، الجامع لأحكام القرآن^{۶۸}، و جواهر الحسان فی تفسیر القرآن^{۶۹} ذکر شده است.

۵. ذیل آیه ۵۹ سوره انعام «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» نیز روایتی در شرح معنای «ورقة» از امام صادق(ع) نقل شده است: «أن الورقة يراد بها السقط من أولاد بني آدم و «الحبة» يراد بها الذي ليس يسقط، و «الرطب» يراد به

الحی، و «الیابس» یراد به المیت». ۷۰ این روایت به نقل از امام صادق (ع) از منابع اهل سنت در الجامع لأحكام القرآن^{۷۱}، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن^{۷۲}، فتح القدیر^{۷۳} و بحرالمحیط^{۷۴} نقل شده است. در منابع شیعی نیز این روایت تنها در تفسیر الصافی^{۷۵} نقل شده است. عدم ذکر آن در بیشتر منابع شیعی از اعتبار این روایت می‌کاهد، ابن عطیة نیز آن را نپذیرفته و ذیل این روایت می‌نویسد: هذا قول جار علی طریقة الرموز، و لایصح عن جعفر بن محمد رضی الله عنه و لاینبغی أن یلتفت إلیه. ۷۶

۶. ذیل آیه ۳۶ سوره حج «وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاَهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاَهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» در مورد اطعام قانع و معتر این روایت از امام (ع) نقل شده است: «أطعم القانع و المعترّ ثلثا، و البائس الفقیر ثلثا، و أهلی ثلثا»^{۷۷}، در منابع اهل سنت این روایت به نقل از امام (ع) تنها در البحرالمحیط^{۷۸}، ذکر شده است. در تفاسیر شیعه نیز در الاصفی فی تفسیر القرآن^{۷۹}، البرهان فی تفسیر القرآن^{۸۰}، نورالثقلین^{۸۱} و تفسیر المیزان^{۸۲} این روایت از امام صادق (ع) وارد شده است. به نظر می‌رسد روایت ذکر شده صحیح است. ۷. ابن عطیة ذیل آیه ۱۹ سوره قمر «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ» در بیان معنای «نحس مستمر» این روایت را از امام صادق (ع) بیان می‌کند: «كان القمر منحوسا بزحل». ۸۳

البته بر خلاف رویه خود که معمولا به نقل روایات اکتفا کرده و اظهار نظری نمی‌کند بعد از نقل این روایت می‌نویسد: «عیاذا بالله أن تصح عن جعفر بن محمد»^{۸۴} و با این بیان انتساب این سخن به امام (ع) را رد می‌کند. در منابع شیعی این روایت به نقل از امام صادق (ع) دیده نشد اما اصل روایت با این الفاظ در تفسیر قمی^{۸۵} و تفسیر نورالثقلین^{۸۶} وجود دارد. البته سخنانی که حمل بر نحوست ایام می‌شود، به گفته علامه طباطبائی (ره) قابل اعتنا نیستند و بیشتر آنها دارای سند مرسل هستند و اگر به واقع از امامان معصوم (ع) صادر شده باشند از روی تقیه است^{۸۷}.

۸. ذیل آیه ۳۱ الرحمن «سَنفُرُكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانُ» نیز روایتی از امام (ع) در معنای «الثقلان» بدین مضمون نقل شده است: «سمى الإنس و الجن ثقلین، لأنهما ثقلا بالذنوب و هذا بارع ينظر إلى خلقهما من طین و نار»^{۸۸}، این روایت از منابع اهل سنت در جواهر

الحسان^{۸۹}، التسهيل لعلوم التنزيل^{۹۰}، و لباب التأويل^{۹۱} و الجامع لأحكام القرآن^{۹۲} ذکر شده است. اما در روایات شیعی و متون تفسیری این روایت از امام صادق (ع) دیده نشد.

۹. در تفسیر آیه ۱۰ سوره جمعه «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» در مورد زمان «فانتشروا في الأرض وابتغوا من فضل الله» این که مردم چه زمانی در زمین پراکنده شوند و در جستجوی فضل الهی باشند از امام صادق (ع) «صبحية يوم السبت»^{۹۳} روایت شده است. این روایت به نقل از امام صادق (ع) از منابع شیعی در مجمع البیان^{۹۴}، جوامع الجامع^{۹۵}، نورالثقلین^{۹۶}، کنزالدقائق و بحر الغرائب^{۹۷}، و البرهان فی تفسیر القرآن^{۹۸}، ذکر شده است. در منابع اهل سنت نیز این روایت از امام (ع) در الکشف و البیان آمده است.^{۹۹} این روایت در برخی منابع روایی شیعه مانند من لایحضره الفقیه نیز ذکر شده است.^{۱۰۰}

۱۰. در روایت دیگری از امام صادق (ع) در تفسیر سوره کوثر در معنای واژه «کوثر» آمده است: «نور فی قلبه دله علیه و قطعه عما سواه، ایضا؛ هو الشفاعة»^{۱۰۱}، در مجمع البیان، روایتی از امام صادق (ع) ذکر شده که معنای کوثر را شفاعت می داند.^{۱۰۲} در تفسیر روح المعانی نیز روایتی از امام صادق (ع) ذکر شده که منظور از آن را «نوری در قلب پیامبر (ص)» می داند.^{۱۰۳} در تفسیر التحرير و التثویر نیز یکی از معانی «کوثر» نور قلب پیامبر (ص) و شفاعت دانسته شده اما اشاره ای به امام صادق (ع) نشده است.^{۱۰۴}

به طور کلی می توان گفت، آنچه که می توان پذیرفت معنای شفاعت است که در تفسیر مجمع البیان نیز به نقل از امام صادق (ع) ذکر شده، اما تعبیر «نور فی قلبه» در منابع شیعی ذکر نشده است. این عطیه نیز تنها این روایت را از امام (ع) نقل کرده و در مورد آن اظهار نظری نکرده است.

۱۱. ذیل آیه ۶ سوره ضحی «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» این روایت نقل شده است: قیل لجعفر بن محمد الصادق (ع) لم یتیم النبی علیه السلام من أبویه، فقال: «لئلا یکون علیه حق لمخلوق».^{۱۰۵} این روایت در مورد علت یتیم بودن پیامبر (ع) است که عین آن در مجمع البیان^{۱۰۶} و در منابع اهل سنت در البحرالمحیط^{۱۰۷} و تفسیر الوسیط^{۱۰۸} و کشف الأسرار و عدة الأبرار^{۱۰۹} ذکر شده است. این روایت نیز با توجه به قرائن صحیح به نظر می رسد.

۱۲. در روایت دیگری در مورد فضل و برتری قرآن کریم بر دیگر سخنان، روایتی از

امام صادق (ع) به این مضمون نقل شده است که درباره قرآن از امام (ع) سؤال شد: چرا شعر و خطابه به هنگام تکرار خسته کننده و ملالت آور می شود، اما قرآن این گونه نیست؟ حضرت فرمود: «لأن القرآن حجة على أهل الدهر الثاني، كما هو حجة على أهل الدهر الأول، فكل طائفة تتلقاه غضا جديدا و لأن كل امرئ في نفسه متى أعاده و فكر فيه تلقى منه في كل مرة علوما غضة، و ليس هذا كله في الشعر و الخطب»؛ قرآن حجت و سند نسل آینده و روزگار آینده است، آن گونه که حجت نسل پیشین می باشد؛ از این رو قرآن همیشه باطراوت و تازه و شاداب می باشد. ۱۱۰

سخن پایانی:

با توجه به آنچه که گذشت می توان گفت این عطیه با توجه به این که روش اصلی وی در تفسیر المحرر الوجیز، استفاده از روایات بوده است، در کنار روایاتی که از پیامبر (ص) و صحابه و برخی بزرگان نقل کرده، بخش مهمی از تفسیرش را به روایات امام صادق (ع) اختصاص داده است. به نظر می رسد، این عطیه در کنار نقل روایات تا آن جا که به طور حتم قصد رد آنها را داشته باشد، در مورد آنها سخنی نگفته است، و تنها به ذکر روایت اکتفا می کند، اما زمانی که به یقین قصد رد آن را دارد، با عباراتی «قول ضعیف» از کنار آن می گذرد. بیشتر روایاتی که وی از امام صادق (ع) نقل می کند در مورد قرائات است، در مورد تبیین آیات نیز بیشتر روایات منقول از امام (ع) را قبول می کند، و سخنی در مورد آن نمی گوید، شاید بتوان گفت این عطیه در نقل روایات از امام صادق (ع) در تفسیر خود به نوعی محافظه کارانه عمل کرده است، همان طور که در مورد روایات مربوط به فضائل أميرالمومنین (ع) نیز به این روش عمل می کند، به عنوان مثال: مثلا در تفسیر آیه: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (الشعراء، ۲۶/۲۱۴)، روایت وارده را به طور سربسته و ابهام گونه نقل کرده است. ۱۱۱ هم چنین ذیل آیه تطهیر ۱۱۲ شأن نزول آن را درباره اهل بیت (ع) دانسته و روایات مربوط به آن را به عنوان رأی مشهور آورده است، ولی احتمال می دهد شامل همسران پیامبر (ع) نیز بشود با این حال سخن پیامبر (ص) خطاب به ام سلمه: «أنت الی خیر» را نیز در پی آن آورده و مسأله را مبهم رها کرده است. ۱۱۳

وی در مورد روایات تفسیری امام صادق (ع) نیز که به جز ۲ مورد همه آنها را پذیرفته

تقریباً همین مشی را دنبال کرده است و بعد از نقل روایات امام (ع) از کنار آنها می‌گذرد، و چون آنها را رد نکرده، می‌توان گفت که همه آنها مورد پذیرش وی بوده‌اند. این امر به معنای اعتراف علمای اهل سنت از جمله ابن عطیه، به جایگاه علمی برجسته و ممتاز امام صادق (ع) است.

۱. التفسیر و المفسرون «ذهبی»، ۴/ ۲۲.
۲. الفهرس، ابن عطیه/ ۱۳۷.
۳. مقدمه ابن خلدون/ ۴۳۹ و ۴۴۰.
۴. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ۲/ ۱۶۰.
۵. تفسیر البحر المحيط، ۱/ ۱۰.
۶. این عبارت ۶۲ بار در «المحرر الوجیز» به کار رفته است.
۷. المحرر الوجیز، ۱/ ۷۴.
۸. جوامع الجامع، ۱/ ۹.
۹. المحرر الوجیز، ۵۳۴/.
۱۰. البحر المحيط فی التفسیر، ۳/ ۴۱۰.
۱۱. المحرر الوجیز، ۲/ ۲۳۰.
۱۲. مجمع بیان، ۳/ ۳۶۶.
۱۳. الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ۲/ ۵۱۲.
۱۴. مجمع بیان، ۴/ ۷۹۵.
۱۵. التبیان فی تفسیر القرآن، ۵/ ۷۲.
۱۶. جامع بیان فی تفسیر القرآن، ۹/ ۱۱۸.
۱۷. تفسیر القرآن المجید/ ۵۴۹.
۱۸. البحر المحيط، ۵/ ۲۶۹.
۱۹. المیزان، ۹/ ۱۴.
۲۰. المحرر الوجیز، ۳/ ۳۲.
۲۱. الجامع لأحكام القرآن، ۱۱/ ۱۲۷.
۲۲. مفاتیح الغیب، ۱۶/ ۱۶۴.
۲۳. الجامع لأحكام القرآن، ۸/ ۲۸۲.
۲۴. البرهان فی تفسیر القرآن، ۲/ ۸۶۱.
۲۵. التبیان فی تفسیر القرآن، ۵/ ۳۱۶.
۲۶. مجمع البحرین، ۲/ ۲۳۹.
۲۷. المحرر الوجیز، ۳/ ۱۷۴.
۲۸. همان/ ۲۲۴.
۲۹. همان. ۲۵۱/.
۳۰. همان/ ۳۰۲.
۳۱. همان/ ۳۸۸.
۳۲. همان، ۴/ ۱۱۸.
۳۳. همان/ ۱۲۵.
۳۴. جوامع الجامع، ۳/ ۵۱.
۳۵. المحرر الوجیز، ۴/ ۳۵۴.
۳۶. مجمع بیان، ۸/ ۵۰۴.
۳۷. المحرر الوجیز، ۴/ ۴۵۴.
۳۸. مجمع بیان، ۸/ ۶۶۲.
۳۹. تفسیر نورالثقلین، ۴/ ۳۸۶.
۴۰. المحرر الوجیز، ۴/ ۴۸۸.
۴۱. مجمع بیان، ۸/ ۷۱۴.
۴۲. تفسیر البرهان، ۴/ ۶۳۲.
۴۳. تفسیر الصافی، ۴/ ۲۸۴.
۴۴. المحرر الوجیز، ۵/ ۱۲۹.
۴۵. همان، / ۲۴۴.
۴۶. مجمع بیان، ۹/ ۳۳۰.
۴۷. بحار الأنوار، ۸/ ۱۰۹.
۴۸. تفسیر الصافی، ۵/ ۱۲۲.
۴۹. مجمع بیان، ۱۰/ ۴۵۵.
۵۰. البحر المحيط، ۸/ ۱۶۵.

٥١. الجامع لأحكام القرآن، ١٤/ ١١٢.
٥٢. روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، ١٠/ ٩٦.
٥٣. كشف الأسرار و عدة الأبرار، ٧/ ١١٧.
٥٤. الكشف و البيان عن تفسير القرآن، ٧/ ١٦٩.
٥٥. بحر المديد في تفسير القرآن، ٤/ ١٤٢.
٥٦. المحرر الوجيز، ١/ ٦٠.
٥٧. الجامع لأحكام القرآن، ١/ ٩٢.
٥٨. المحرر الوجيز، ١/ ٧٩.
٥٩. تفسير التستري، ٢٤/ ٢٤.
٦٠. بحار الأنوار، ٩٠/ ٣٩٣.
٦١. معاني الأخبار، ٣٤٩/ ٣٤٩.
٦٢. تفسير القرآن العظيم، ١/ ٥٨.
٦٣. الجامع لأحكام القرآن، ١/ ١٢٨.
٦٤. أحكام القرآن، ١/ ٦.
٦٥. المحرر الوجيز، ١/ ٣٧٢.
٦٦. فقه القرآن في شرح آيات الأحكام، ١/ ٣٨٤.
٦٧. البحر المحيط، ٢/ ٧٠٨.
٦٨. الجامع لأحكام القرآن، ٣/ ٣٦٠.
٦٩. جواهر الحسان في تفسير القرآن، ١/ ٥٣٥.
٧٠. المحرر الوجيز، ٢/ ٢٩٩.
٧١. الجامع لأحكام القرآن، ٧/ ٤.
٧٢. جواهر الحسان في تفسير القرآن، ٢/ ٤٧٤.
٧٣. فتح القدير، ٢/ ١٤١.
٧٤. البحر المحيط، ٤/ ٥٣٦.
٧٥. تفسير الصافي، ٢/ ١٢٦.
٧٦. المحرر الوجيز، ٢/ ٣٠٠.
٧٧. همان، ٤/ ١٢٣.
٧٨. البحر المحيط، ٧/ ٥١٠.
٧٩. الاصفى في تفسير القرآن، ٢/ ٨٠٧.
٨٠. تفسير البرهان، ٣/ ٨٨٥.
٨١. تفسير نورالثقلين، ٣/ ٤٤٩.
٨٢. الميزان في تفسير القرآن، ١٤/ ٣٨٠.
٨٣. المحرر الوجيز، ٥/ ٢١٦.
٨٤. همان.
٨٥. تفسير قمي، ١/ ٣٣٠.
٨٦. تفسير نور الثقلين، ١٣/ ٤٠٤.
٨٧. الميزان، ١٩/ ٧١ و ٧٤.
٨٨. المحرر الوجيز، ٥/ ٢٣٠.
٨٩. جواهر الحسان، ٥/ ٣٥٢.
٩٠. التسهيل لعلوم التنزيل، ٢/ ٣٢٩.
٩١. لباب التأويل في معاني التنزيل، ٤/ ٢٢٨.
٩٢. الجامع لأحكام القرآن، ١٨/ ١٦٩.
٩٣. المحرر الوجيز، ٥/ ٣٠٩.
٩٤. مجمع البيان، ١٠/ ٤٣٥.
٩٥. جوامع الجامع، ٤/ ٢٩٤.
٩٦. تفسير نور الثقلين، ٥/ ٣٢٨.
٩٧. كنز الدقائق و بحر الغرائب، ١٣/ ٢٥٤.
٩٨. البرهان في تفسير القرآن، ٥/ ٣٧٨.
٩٩. الكشف و البيان عن تفسير القرآن، ٩/ ٣١٧.
١٠٠. من لا يحضره الفقيه، ١/ ٤٢٤.
١٠١. المحرر الوجيز، ٥/ ٥٣٠.
١٠٢. مجمع البيان، ١٠/ ٨٣٦.
١٠٣. روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، ١٥/ ٤٧٩.
١٠٤. التحرير و التنوير، ٣٠/ ٥٠٣.
١٠٥. المحرر الوجيز، ٤/ ٤٩٤.
١٠٦. مجمع البيان، ١٠/ ٧٦٥.
١٠٧. البحر المحيط، ١٠/ ٤٩٧.
١٠٨. تفسير الوسيط، ٣/ ٢٨٩٢.
١٠٩. كشف الأسرار و عدة الأبرار، ١٠/ ٥٢٥.
١١٠. المحرر الوجيز، ١/ ٣٦.
١١١. همان، ٤/ ٢٤٥.
١١٢. الأحزاب، ٣٣/ ٣٣.
١١٣. المحرر الوجيز، ٤/ ٣٨٤.